



# الان چه وقت خوابه!

بازیگران: خرگوشک. مامان خرگوش. زنبورک. سنجابک

خرگوشک در خانه خوابیده است. مامان خرگوش بالای سرش نشسته است و او را تکان تکان می دهد.

**مامان خرگوش:** بیدار شو خرگوشک. بیدار شو. باید بریم دنبال

هوویج، برای زمستان.

خرگوشک خمیازه های می کشد. چشم هایش رامی مالد.

بعد می گوید: «حالا کو تا زمستان. بذار بخوابم.»

**مامان خرگوش:** «بلند شو تنبل کوچولو. بلندشو.»

خرگوشک و مامان خرگوش وارد جنگل می شوند.

در دست هر کدامشان یک سبد است.

**زنبورک** (با یک کوزه دور گل ها می چرخد): ویز ویز ویز.

چه گل های خوشبوئی! ویز ویز ویز. چه عسلی

درست کنم؟ ویز ویز ویز.

**خرگوشک:** (رو به مامان خرگوش) «هنوز خوابم می یاد»

مامانی. میشه بشینم همین جا کنار درخت گردو؟»

**مامان خرگوش** (در حال دور شدن): «جایی نری ها. همین جا

بمان تا من برم هوویج جمع کنم.»

**سنجابک:** (با یک سبد وارد

می شود. شروع به کندن گردو

می کند): «چه گردوهایی!

حتماً خیلی خوشمزه اند!»



**خرگوشک:** (در حال چرت زدن است چند گردو می افتد روی سر خرگوشک.): «آهای، حواست کجاست! مثلاً من اینجا خوابیده‌ام‌ها!»

**سنجابک:** «الان چه وقت خوابه! پاشو که وقت کاره!»

**خرگوشک:** «وقت کار؟ تو هم مثل مامانم می گی کار! می گی غذا، انبار!»

**سنجابک:** «آره که می گم. وقتی زمستون بشه، نه دونه هست، نه گردو.»

**زنبورک:** (به طرف سنجابک و خرگوشک می آید) «تو زمستان هیچ گلی هم نیست. هیچ شهدی نیست تا من عسل درست کنم.»

**خرگوشک:** (از جایش می پرد و می گوید): «یعنی اگر غذا جمع نکنیم، زمستان گرسنه می مونیم؟ پس مامانم درست می گه. همه باید برن دنبال غذا. خرگوشک و دوستانش پشت گل‌ها می روند تا هویج پیدا کنند.»

**مامان خرگوش:** (با سبد پر از هویج وارد می شود): «کجایی؟ کجا رفتی خرگوشک؟ خرگوشک؟ خرگوشک با سنجابک و زنبورک از بین گل‌ها بیرون می آید.»

**خرگوشک:** «مامان! مامان! من هویج پیدا کردم، با دوستان جدیدم.»

بازیگران همه به سمت تماشاگران می ایستند. دست‌های

یکدیگر را می گیرند و یک صدا می خوانند: «الان چه وقت

خوابه! پاشو که وقت کاره!»

